

کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان دختر یزدی

هانیه السادات حسینی فتح‌آبادی^۱، علی روحانی^۲، زهرا نادری نویندگانی^۳

چکیده

اوقات فراغت مسئله‌ای اساسی در زندگی نوجوانان امروزی است؛ به طوری که در حال حاضر در کانون اصلی تجارت و سرگرمی قرار دارد و بی‌توجهی به این موضوع مهم می‌تواند پیامدهای منفی فراوانی ایجاد کند. روش پژوهش حاضر نظریه زمینه‌ای بود و جامعه پژوهش تمامی دانش‌آموزان دختر ساکن در شهر یزد با سابقه اقدام به خودزنی بودند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها فرایند نمونه‌گیری هدفمند تا مرحله اشباع ادامه یافت و در نهایت با ۲۳ دانش‌آموز دختر دبیرستانی در رابطه با خودزنی، در بستر مسائل اوقات فراغت، مصاحبه شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، تحلیل و در قالب خط داستان، شامل هجده مقوله اصلی و یک مقوله هسته و مدل پارادایمی ارائه شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد مقوله‌هایی مانند دشواری شادی در یزد، حسرت‌های پدرفرزندی، تفریح طلبی، سرگرمی‌های افسرده‌کننده، کارکردهای فضای مجازی، آشنایی با جنس مخالف در بسترهای اجتماعی مجازی، سواد رسانه‌ای حدآقلی والدین، سبک زندگی تحمیلی و بی‌پردگی فضای مجازی به ظهور پدیده مرکزی پژوهش منجر شدند؛ در نتیجه نوجوانان در چنین فضای فراغتی نامناسبی، عملکردهای خاصی را از خود نشان می‌دهند که یکی از آنها آزادی عامه‌پسند، بدیل جویی و احساس بی‌تفاوتی اجتماعی است که با پیامدهای خاصی نظیر شکست جنسیتی، کژ کارکردهای وابستگی مجازی، بی‌علاقگی به ایران و اسناد تقصیر همراه است. دشواری فراغت، به ایجاد شرایطی منجر می‌شود که در آن خانواده‌ها کارکردهای خود را ازدست‌رفته می‌بینند و از ایجاد تغییرات مثبت ناتوان هستند؛ به عبارتی توانایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی در دانشگاه یزد.

Sadat.hosini.73@gmail.com

۲. دکتری تخصصی، دانشیار بخش تعاون و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد. (نویسنده مسئول).

aliruhani@yazd.ac.ir

۳. دکتری تخصصی، استادیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی - بخش روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه یزد.

Zahra.naderi@yazd.ac.ir



فصلنامه فرهنگ یزد

حلّ مسئله از مسیرهای موجود، به‌ویژه مسیرهای پیشین و سنتی وجود ندارد. این موضوع می‌تواند به انحراف‌هایی مانند خودزنی منجر شود؛ بنابراین به اقدام مداخله‌ای هوشمند در بسترهای اوقات فراغت نیاز است.

واژگان کلیدی: بسترهای فراغتی، دشواری فراغت، خودزنی، دانش‌آموزان دختر دبیرستانی



سال سوم، شماره ۱۰
تابستان ۱۴۰۰

سرمایه بزرگ انسان دوران عمر اوست که به برکت استفاده از آن می‌تواند به سعادت، خوشبختی، موفقیت و به‌طورکلی به اهداف خود دست پیدا کند؛ تاریخ گواه صادقی بر این است که تاکنون یکی از رموز موفقیت انسان‌های بزرگ استفاده از دوران عمر و زندگی، به‌ویژه جوانی بوده است (دانشمند و همکاران، ۱۳۹۲). در این بین انسان از کودکی مستقیم به بزرگ‌سالی قدم نمی‌گذارد، بلکه با دوره‌ای در زندگی روبه‌روست که با عدم مسئولیت‌پذیری مترادف و اوقات فراغت در آن سهم بزرگی یافته است (کیان، ۱۳۹۲) این دوره از عمر با نام «نوجوانی» شناخته می‌شود. در جهان امروز پدیده اوقات فراغت از یک‌سو برای رشد ابعاد مختلف وجود آدمی و رسیدن به کمال و سعادت مناسب است و بستری مطلوب برای رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته در درون فراهم می‌آورد و از دیگر سو آستن مشکلات جدی و جدیدی برای نسل امروز و نسل‌های آینده است.

توجه به این مهم ضروری است که دانش‌آموزان به دلیل نقش کلیدی در اداره آینده کشور، یکی از اقشار مهم جامعه به حساب می‌آیند و توجه به سلامت روان آن‌ها دغدغه‌ای مهم است. اقدام به خودزنی و آسیب زدن به خود از جمله رفتارهای پرخطر در بین این گروه است. خودزنی رفتاری است که خود دانش‌آموز، به‌طور عمدی، با استفاده از وسایل گوناگون به جسم، روان و شخصیت و موقعیت اجتماعی خود آسیب می‌زند.

از منظر علم روان‌شناسی و براساس رویکردهایی نظیر روان‌کاوی، اقدام به خودزنی نوعی بازگرداندن خشم به خویشتن است. افرادی که خودزنی می‌کنند، مقدار زیادی انرژی معطوف به خشم دارند که نیاز است آن را تخلیه کنند، اما چون نمی‌توانند به روش مناسب خشم سرکوب‌شده را کنترل یا تخلیه کنند، اقدام به خودزنی می‌کنند (فرح‌بخش، ۱۳۹۹). نتایج پژوهش لاول و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد خودآزاری بدون خودکشی، در میان افراد جوان و بزرگسالان نسبت به گذشته رایج‌تر شده است و به‌طورمعمول برای رویارویی با وضعیت‌های منفی و تنش‌زا، به‌خصوص عصبانیت و افسردگی و وضعیت‌های احساسی ترکیبی به کار می‌رود. همچنین حسینی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان داد که نوجوانان خودزنی



را به عنوان روشی برای رهایی از هیجان‌های منفی یا گرفتن حقوق نادیده گرفته شده خود می‌دانند.

از منظر علمی مانند جامعه‌شناسی رفتار ضداجتماعی یک معضل اجتماعی به‌شمار می‌رود و اساس تحلیل‌های جامعه‌شناختی بر آن است که چه عواملی دست‌به‌دست یکدیگر داده است و سبب به وجود آمدن این حالت در افراد شده است (هادی خامنه، ۱۳۹۲). بسیاری از محققین جامعه‌شناسی، خودزنی را ناشی از بیگانگی نوجوانان عصر جدید با خود و محروم‌سازی‌های اجتماعی یا راهی برای ابراز آشکار دردهای روانی و حرف‌هایی می‌دانند که جهان بیرونی نمی‌خواهد بشنود (سیمون و هالندر، ۲۰۰۱، به نقل از خانی‌پور، ۱۳۹۳). در این میان نوجوانان بر تنها دارایی‌شان که بدن است، اعمال قدرت می‌کنند. نتایج پژوهش کوکالیاری و برزف (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که پدیده خودآزاری در بین زنان می‌تواند ناشی از فشارهای اجتماعی و بازخوردی که از جامعه دریافت می‌کنند باشد. زنان در واکنش به این فشارها، به خودآزاری روی می‌آورند. همچنین نتایج پژوهش آدلر (۲۰۰۷) نشان می‌دهد برخی از افراد که در دوره‌ای از زندگی تصمیم بر تغییر رفتار سالم به یک رفتار انحرافی و ناسالم می‌گیرند، واکنش خود را نسبت به بُعد منفی عامل‌های اجتماعی که از جانب جامعه و اجتماع دریافت می‌کنند، با آزار دادن خود، به جامعه نشان می‌دهند.

براساس دیدگاه هیرشی، کج‌روی معلول گسستگی یا ضعف تعلق فرد به جامعه و پیوند میان فرد و جامعه، علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن به کج‌رفتاری می‌انجامد (زمانی و همکاران، ۱۳۹۴). به عقیده هیرشی، مسائل و مشکلات نوجوانان را باید در هر جایی که نوجوان به‌نوعی در آنها عضویت دارد بررسی کرد. او می‌گوید هرچه هم‌بستگی میان نوجوانان با جامعه بیشتر باشد، نوجوانان به جامعه علاقه بیشتری پیدا می‌کنند و درگیر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند؛ در نتیجه فرصت کمتری برای پرداختن به رفتارهای ناهنجار خواهند داشت. او چهار عنصر اصلی دل‌بستگی، سرسپردگی، درگیری و ایمان را باعث پیوند بین فرد و جامعه می‌داند (ستوده، ۱۳۹۳).



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان...

لارسن (۲۰۰۲) بر این باور است که اوقات فراغت فرصتی رشدآور و ضروری است؛ به‌گونه‌ای که نوجوانان باید آن را به‌مثابه فرصتی به‌منظور آمادگی برای زندگی خانوادگی، اشتغال، شهروندی خوب، یادگیری مادام‌العمر و شکوفایی فردی درک کنند. از نظر لارسن، اوقات فراغت حتی زمینه رشد و توسعه اجتماعی کل جامعه را نیز فراهم می‌کند (کیان، ۱۳۹۲: ۱۴۶). اما فراغت دانش آموزان در دوران اخیر دچار مشکلات بسیاری شده است، از جمله می‌توان به دشواری شادی در یزد، سبک زندگی تحمیلی، بی‌پردگی فضای مجازی، سواد رسانه‌ای حداقلی والدین، آشنایی با جنس مخالف و ... اشاره کرد که از کژکارکردهای اوقات فراغت است و شرایط را برای نوجوانان غیرقابل تحمل می‌کند (بادله و همکاران، ۱۳۹۲).

کژکارکردهای اوقات فراغت همراه با سیالیت فرهنگی در دوره معاصر، نوجوانان را در جامعه بیش از هر گروه دیگری تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بدین ترتیب آنها در کانون منازعه قرار می‌گیرند و گفتمان‌های مختلف در جامعه، هرکدام به‌نوعی، در پی نظم‌بخشی به آنان هستند. چالش‌های گفتمانی در حوزه علم و موفقیت تحصیلی در کنکور و مدرسه، گفتمان جنبش‌های سبک زندگی و حق اظهارنظر و تصمیم‌گیری فردی، چالش‌های گفتمانی سنت‌های خانوادگی و قدرت والدینی، چالش‌های گفتمانی دینی و ... زندگی نوجوانان را تحت الشعاع قرار می‌دهند؛ به‌ویژه اینکه در سال‌های اخیر تناقض‌ها و تفاوت‌های گفتمان‌های رسمی و غیررسمی، هم‌زمان در داخل و خارج از کشور، رشد فزاینده‌ای یافته و کانون منازعه را پررنگ‌تر کرده است؛ در نتیجه در میان نوجوانان رفتارها و سبک‌های زندگی نامتعارف، نسبت به عرف جامعه، بیشتر شده است. گاهی این وضعیت حتی به‌سوی ناهنجاری‌های اجتماعی سوق یافته است که از آن جمله از پدیده خودزنی یا خودجرحی می‌توان نام برد. هرچند این پدیده در گذشته هم به‌نوعی وجود داشته است، اما شیوع آن در میان نوجوانان، به‌ویژه در میان دختران امری کاملاً جدید و مسئله‌مند است. از سویی شهر یزد همچنان به‌عنوان یک شهر مذهبی و سنتی شناخته می‌شود و در لایه‌های زیرین



فرهنگی، شیوع چنین رفتارهایی قابل توجه است؛ هرچند مشخص است این آسیب و پدیده اجتماعی تک‌علتی نیست و می‌تواند از فرایندهای اجتماعی متفاوتی تأثیر پذیرفته باشد. نتایج پژوهش موحد و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که متغیرهای جنس، محل سکونت، طبقه اجتماعی و تحصیلات والدین با میزان اوقات فراغت جوانان رابطه معناداری دارند. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند بخش عظیمی از جوانان ایرانی، یعنی ۷۱ درصد، از سازمان‌های متولّی اوقات فراغت بی‌اطلاع‌اند و آنها را نمی‌شناسند. این گروه از جوانان بر این باورند که در تدوین برنامه‌های اوقات فراغت به خواسته‌ها و تقاضاهای آنها چندان توجهی نمی‌شود. همچنین بیش از ۶۲ درصد از جوانان ایرانی اوقات فراغت خود را درون خانه و در تنهایی و به صورت فردی سپری می‌کنند (کیان، ۱۳۹۲). از سوی دیگر فراوانی انواع رفتارهای خودآسیب‌رسان در دوره نوجوانی از سایر دوره‌های زندگی بیشتر است (راث و هیت، ۲۰۰۲) و همین موضوع سبب ایجاد نگرانی در رابطه با این مسئله می‌شود. نتایج پژوهش راسل و هارتونگ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد خودآزاری در بین نوجوانان، پدیده جدیدی نیست، اما شمار رو به افزایش این افراد نگران‌کننده است؛ بنابراین با توجه به اهمیت اوقات فراغت نوجوانان و جوانان، مسائل و مشکلات فراغتی و به تبع آن آثار و تأثیرات مثبت و منفی که در جامعه ایجاد می‌کند، مطالعه اوقات فراغت و تأثیر آن بر جامعه ضروری است.

پژوهش حاضر برای بررسی جزئی و دقیق این مسئله می‌کوشد که یک بستر اجتماعی دخیل در اوقات فراغت و همچنین نقش بسترهای فراغتی در بروز پدیده‌هایی مانند خودزنی را بررسی و مطالعه کند؛ از این رو هدف اصلی این پژوهش، کاوش بسترهای فراغتی سوق‌دهنده دختران دبیرستانی به خودزنی است و این سؤال مطرح می‌شود که بسترهای فراغتی چگونه برخی از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی را در شهر یزد به خودزنی سوق می‌دهد.



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان...

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیفی و رویکرد نظریه زمینه‌ای سیستماتیک با استفاده از راهبرد اشتراوس و کوربین (۱۳۹۷) بهره برد. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت نظری و هدفمند بود و در نهایت تعداد ۲۳ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، در مقطع متوسطه اول و دوم، در شهر یزد که سابقه خودزنی داشته‌اند، برای انجام مصاحبه‌های عمیق انتخاب شدند. در این مسیر با استفاده از راهنمایی چند تن از مشاوران مدرسه، دانش‌آموزانی که به خودزنی اقدام کرده بودند، انتخاب شدند و سعی شد اعتماد آنان برای مصاحبه‌های عمیق جلب شود. در ادامه با استفاده از راهبرد نمونه‌گیری گلوله‌برفی دانش‌آموزان دیگری شناسایی شدند. به منظور جمع‌آوری گروه نمونه، افراد از هر دو ناحیه اول و دوم آموزش و پرورش و از طبقات متنوع اقتصادی و اجتماعی انتخاب شدند و سعی شد در نمونه‌گیری حداکثر تنوع نیز در نظر گرفته شود. معیارهای ورود برای شناسایی و انتخاب دانش‌آموزان در زمینه ایجاد جراحت بر بدن، اشتغال به تحصیل در مقطع متوسطه دوم، انتخاب از بین طبقات با پایگاه طبقاتی متنوع و از نظر سن بین چهارده تا هجده سال بود که از این تعداد یازده نفر کلاس نهم، سه نفر کلاس دهم، دو نفر کلاس یازدهم و هفت نفر کلاس دوازدهم بوده‌اند. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند.

جدول ۱. فهرست مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مشارکت‌کننده	کلاس	روش غالب	وسیله جراحی	محل جراحی	سابقه خودکشی	احساس پشیمانی
۱	نهم	خط‌انداختن، قرص خوردن	تیغ	دست	دارد	دارد
۲	نهم	تیغ زدن، قرص خوردن	تیغ	دست، بازو	ندارد	دارد
۳	نهم	خط‌انداختن و به صورت حروف انگلیسی	تیغ	دست، پا	ندارد	ندارد



مشارکت کننده	کلاس	روش غالب	وسیله جراحی	محل جراحی	سابقه خودکشی	احساس پشیمانی
		درآوردن				
۴	نهم	خط خطی کردن، داد زدن	تیغ	دست	ندارد	دارد
۵	نهم	خط انداختن	تیغ	کل بدن	ندارد	دارد
۶	نهم	خط انداختن، قرص خوردن، خرد کردن آینه در دست	تیغ، آینه	دست	دارد	ندارد
۷	نهم	خط انداختن سطحی	چاقو، تیغ، تیغ تراش	دست	ندارد	دارد
۸	نهم	خط انداختن	تیغ	دست	ندارد	دارد
۹	نهم	خط انداختن، قرص خوردن	تیغ	دست، پا، بازو	دارد	دارد
۱۰	نهم	خط انداختن سطحی، قرص خوردن	تیغ تراش، شیشه	دست	دارد	دارد
۱۱	نهم	خط انداختن عمیق	تیغ	دست	دارد	دارد
۱۲	دهم	خط انداختن، خوردن مرگ موش	تیغ	دست	دارد	دارد
۱۳	دهم	خط انداختن، مشت به دیوار کوبیدن، قرص خوردن	تیغ	دست	دارد	دارد
۱۴	دهم	خط انداختن سطحی	تیغ	دست	ندارد	دارد
۱۵	یازدهم	تیغ زدن به قصد خودکشی، خوردن قرص خواب ۵۰۰	تیغ	دست	دارد	ندارد



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان...

مشارکت کننده	کلاس	روش غالب	وسیله جراحات	محل جراحات	سابقه خودکشی	احساس پشیمانی
۱۶	یازدهم	خط انداختن عمیق، قرص خوردن، پریدن از ارتفاع	تیغ	دست	دارد	دارد
۱۷	دوازدهم	خط خطی کردن، مشت به دیوار کوبیدن	تیغ	دستها تا بالا	ندارد	ندارد
۱۸	دوازدهم	خط انداختن	تیغ	دست	ندارد	دارد
۱۹	دوازدهم	خط انداختن عمیق	شیشه، سر اتود، تیغ، کاتر	دست	دارد	ندارد
۲۰	دوازدهم	خط انداختن	تیغ	دست	ندارد	دارد
۲۱	دوازدهم	خط انداختن، قرص خوردن	تیغ	دست، پا	دارد	دارد
۲۲	دوازدهم	خط انداختن، قرص خوردن	تیغ	دست	دارد	ندارد
۲۳	دوازدهم	خط انداختن	تیغ	دست	ندارد	دارد

در این پژوهش مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه پیدا کرد و پس از انجام هر مصاحبه، متن ضبط شده آن پیاده شد و مورد تحلیل قرار گرفت. در فرایند تحلیل داده‌ها از تحلیل خطبه‌خط برای کدگذاری باز استفاده شد و هم‌زمان با توسعه مفاهیم و انتزاعی شدن آنها، مراحل کدگذاری محوری و گزینشی نیز اجرا شد.

در این تحقیق تنها با کسانی مصاحبه شد که برای مصاحبه رضایت کامل داشتند و به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که گفته‌های آنها سبب به وجود آمدن مسئله‌ای برای آنان نمی‌شود. همچنین به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی در ارتباط با این افراد، بر نکاتی چون رضایت آگاهانه، رعایت حریم شخصی، حفظ گمنامی و رازداری مصاحبه‌شوندگان تأکید



شد و این نکات در انجام پژوهش، مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این اطلاعاتی مانند موضوع پژوهش، هدف، شیوه انجام تحقیق و چگونگی گزارش تحقیق در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شد.

لازم به ذکر است یافته‌های پژوهش توسط متخصصان این حوزه مورد بازبینی و تأیید قرار گرفت و سعی شد توصیف غنی و عمیقی از تجربه‌های دانش‌آموزان صورت پذیرد. در نهایت از تعدادی از دانش‌آموزان خواسته شد نتایج این پژوهش را تأیید کنند. در واقع تفسیر ما از یافته‌ها به آنان ارائه شد و آنان تفسیر ما را تأیید کردند. تأیید پایایی تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه مطلوب، ثبت کامل رخدادها و پیاده‌سازی آنان انجام گرفت.

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا ویژگی‌های عمومی و اطلاعات توصیفی مشارکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ ارائه شد و سپس مقوله‌های اصلی و هسته در قالب جدول شماره ۲ عرضه و توضیحات مبسوط براساس اجزای مدل پارادایمی ارائه گردید. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، تیغ وسیله غالب برای خودزنی و دست‌عضوی از بدن است که بیشترین میزان جراحت بر آن وارد شده است.

جدول ۲. مقوله‌های اصلی و هسته استخراج‌شده پژوهش

مقوله هسته	مقوله‌های اصلی
دشواری فراغت	دشواری شادی در یزد
	حسرت‌های پدرفرزندی
	تفریح‌طلبی
	سرگرمی‌های افسرده‌کننده
	کارکردهای فضای مجازی
	آشنایی با جنس مخالف در بسترهای اجتماعی مجازی
	سواد رسانه‌ای حداقلی والدین
	سبک زندگی تحمیلی



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان...

بی‌پردگی فضای مجازی
آزادی عامه‌پسند
بدیل‌جویی
احساس بی‌تفاوتی اجتماعی
شکست جنسیتی
کژکاردهای وابستگی مجازی
بی‌علاقگی به ایران
اسناد تقصیر

با تحلیل و بررسی دقیق و خط‌به‌خط متن مصاحبه‌های تحقیق، مفاهیم، مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی و درنهایت مقوله هسته در فرایندی جزئی، دقیق و طولانی مفهوم‌پردازی و ارائه شدند. در نتیجه این فرایند، مقوله هسته، یعنی دشواری فراغت، از هجده مقوله اصلی، ۶۶ مقوله فرعی و ۱۶۶ مفهوم برساخته شد. به دلیل محدودیت در حجم مقاله، مفاهیم و مقوله‌های فرعی در جدول مفهومی حذف شدند. به بیان ساده می‌توان گفت آن چیزی که دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در این پژوهش با آن مواجه می‌شوند، فرایندهایی است که آنها را در وضعیت بغرنجی قرار می‌دهد. برساخته شدن این وضعیت‌ها باعث دشواری فراغت در دانش‌آموزان می‌شود. در همین مسیر یافته‌ها به صورت جزئی در قالب مقوله‌های اصلی و مدل پارادایمی ارائه خواهند شد.

شرایط علی

دشواری شادی در یزد

بسیاری از مشارکت‌کنندگان از محیط بی‌روح شهر یزد به دلیل فرهنگ سنتی و تعدد مکان‌های مذهبی که در شهر یزد وجود دارد و همچنین کمبود امکانات تفریحی برای جوانان، تأثیر مشکلات اقتصادی بر زندگی، احساس نارضایتی می‌کردند.



عطیه می گوید: اگه شهر خودم رو بگم، خیلی چیزا کم داره برا ما جوونا ... الان هیچ تفریحی نداره برا من جوونی که مثلاً الان قراره بگم با دوستانم می خوام برم بیرون. خب! کجا برم؟! هیچ جا به غیر از کافی شاپ هست؟ کافی شاپ چی می شه؟! یا آخرش می رن سمت قلیون یا اینکه باید برن سمت پرخوری یا باید بخورن یا باید بکشن. بعد آدم چقدر می تونه بره پارک شادی، چقدر می تونه بره پارک کوهستان، چقدر می تونه بره سوار مثلاً چرخ و فلک بشه یا تا کی می تونه بره سینما تک؟!

حسرت های پدرفرزندی

از آنجایی که پدر نقش بسزایی در زندگی نوجوانان، به خصوص دختر دارد و بسیاری از مشکلات خانوادگی به نقش پدر برمی گردد، فرزندان حساسیت بسیاری بر پدر دارند و از دست دادن پدر و همچنین پدرانی که فرصت کافی برای ارتباط با فرزندان خود ندارند، باعث حسرت خوردن نوجوان و در نتیجه مشکلاتی در سلامت اجتماعی نوجوان می شود.

سارا می گوید: اصلاً هیچی نذارم بگم! یا تو کوچه ایم یا تو خونه پا تلویزیون، یا گوشی، همین ... بیرون برم، ولی هیش وقت بابام همراهمون نیس، هیش وقت یعنی من هفده سال زندگی کردم، یه بار پی یرم (پدرم) نگف بیا برم فلان جایی یا برم خرید چیزی برات بخرم ... این جور!

پدیده

فراغت تنهایی

زمانی که شادی در جامعه، فردی و درون گرایانه و از حالت جمعی خارج شود، آسیبزا می شود و بر سلامت اجتماعی نوجوانان تأثیر می گذارد. مشارکت کنندگان در پژوهش تمایل به انتخاب تنهایی در هنگام اوقات فراغت، بی حوصلگی و خواب زیادی داشتند و در تنهایی خود به خودزنی روی می آوردند.

ماندانا می گوید: بیشتر از اینکه تو جمع باشم، تنهایی رو دوست دارم، دوست دارم تنها باشم. خونوادم اهل تفریح هستن، مثلاً با دایم و خاله م می رن بیرون، ولی من باهاشون نمی رم. همیشه تو خونه م. زیاد اهل فضای مجازی نیستم. گوشی دارم، ولی زیاد اهل گوشی



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان...

نیستم که برم توش. قبلنا خیلی بودم. الان اصلاً حوصله گوشیم رو ندارم، مثلاً آن (برخط) می‌شم، دو دقه پی‌ام رفیق‌ام می‌دم، جواب می‌دم، دیگه آف می‌شم تا شب. نیوشا می‌گوید: وقتایی که تنها بودم، بیشتر خودزنی می‌کردم.

جدایی فراغتی

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند تفریح‌های خانوادگی در یزد کم‌رنگ شده است و بیشتر به صورت مختلط، دوستی دختران و پسران، درآمده است. آنها از عدم همراهی والدین در تفریح‌ها احساس نارضایتی می‌کردند. آیناز می‌گوید: یزدیا حتماً باید مناسبتی باشه بزنی بیرون؛ وگرنه تفریحات، دخترپسریه، خونوادگی کسی نیست. یلدا می‌گوید: خونواده خودم کم اهل تفریحن، مثلاً خونواده‌های دیگه بیشتر می‌آن و می‌رن دورهمی.

شرایط زمینه‌ای

تفریح طلبی

مشارکت‌کنندگان به تفریح دوستانه، عاشقانه با غیر هم‌جنس و تفریح جمعی تمایل دارند. اینجا نیز شکاف نسلی را بین والدین و فرزندان مشاهده می‌کنیم؛ به این معنی که دنیای والدین و فرزندان متفاوت است؛ به همین دلیل مشارکت‌کنندگان دوست را در اولویت قرار می‌دهند.

نیوشا می‌گوید: بیشتر دوست دارم با دوستانم برم گردش. مثلاً چون پدر و مادرم پیرن، نمی‌شه باهاشون هرجایی بری، خسته می‌شن. می‌گم من رو ببرین اینجا، می‌گن ما نمی‌تونیم، واقعاً خسته می‌شیم، مثلاً می‌گم بریم بگردیم، می‌گن نمی‌تونیم الان بریم بگردیم؛ برای همین دوست دارم با دوستانم بگردم.

سرگرمی‌های افسرده‌کننده

نوجوانان چون جامعه را افسرده می‌دانند و راهی مناسب برای گذراندن اوقات فراغت برای خود پیدا نمی‌کنند، برای گذراندن اوقات فراغت به گوش دادن آهنگ‌های غمگین و رپ و خواندن رمان و تصاویر و کانال‌های تلگرامی با فاز منفی روی می‌آورند. گاهی این سرگرمی‌ها ترویج‌دهنده خشونت و افسردگی در بین نوجوانان هستند.



آسیه می گوید: تو فیلم زیاد [خودزنی] می دیدم، فیلمایی که واقعاً حالم بد می شد. خیلی ناراحت بودم، همیشه اونا رو می دیدم.

شهلا می گوید: موسیقی روم تأثیر گذاشته، مثلاً اولاش آهنگای مهرباب رو که گوش می دادم، خیلی داغون می شدم.

کارکردهای فضای مجازی

فضای مجازی هرچند ره آوردها و کارکردهای مثبتی چون افزایش سطح آگاهی، مهارت آموزی و ... را به ارمغان آورده است و مشارکت کنندگان به کارکردهای مثبت آن نیز اشاره کرده اند، اما نمی توان از آسیب های اجتماعی پر شمار آن نیز غافل شد، از جمله آشنایی با غیر هم جنس و ... که در ادامه به آن پرداخته می شود.

نیوشا می گوید: می شه تو فضای مجازی تفریح کرد. بستگی داره چه جوری ازش استفاده کنی، استفاده درستش خیلی مهمه. خیلی چیزا ازش یاد گرفتم، مثلاً من از اینستا درست کردن کاردستیای مختلفی رو یاد گرفتم، مثلاً درست کردن جعبه رو یاد گرفتم، درآمدزایی رو یاد گرفتم، خیلی چیزا ... حتماً نباید که مثلاً چیزای بد نگا کنیم یا نمی دونم کارای بد بکنیم تو اینستا، خیلی چیزا می شه ازش یاد گرفت. تو فضای مجازی بیشتر تو طراحی و کاردستی و آشپزی کنجکاویم.

آشنایی با غیر هم جنس در بسترهای اجتماعی مجازی

پیشرفت فناوری و گسترش شبکه های ارتباطی مانند تلگرام، گروه های مختلط، گپ و همچنین بازی های رایانه ای مثل کلش، باعث فراگیری ارتباط دختر و پسر در فضای مجازی و اجتماعی شده است. ممکن است افراد به طور اتفاقی باهم آشنا شوند و آن فضا را راهی برای دوری از غم تصور کنند؛ در نتیجه بستری را برای دروغ و فریب کاری ایجاد می کنند که باعث فشار عصبی در بین نوجوانان می شود. مشارکت کنندگان در مصاحبه ها این موضوع را نیز بیان کرده اند.

سهیلا می گوید: بیشتر تو فضا مجازی تو گروه های مختلط و اینا چت می کنم. تو مجازی با یه نفر بودم. بعد الان با یه نفر دیگه هستم که اونم تموم شد. تو اینستا زیاد نیستم،



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان...

تو تلگرام چرا، چیز خاصی تا حالا ازش یاد نگرفتیم. به زمانی هم خسته می شی دیگه ازش، تو فضای مجازی آدمای لاشی و بد خیلی هستن. فکر می کنم نمی شه بهشون اعتماد کنیم.

سواد رسانه‌ای حدّ اقلی والدین

امروز سواد رسانه‌ای یکی از مهارت‌های مهم زندگی کردن است. سواد حدّ اقلی والدین و به‌روز نبودن والدین در این زمینه می‌تواند فرزندان را دچار مشکلاتی کند و به آنها آسیب بزند. این موضوع سبب می‌شود والدین نتوانند نظارت صحیح نسبت به فرزندان خود داشته باشند.

شب‌نم می‌گوید: خودم گوشی ندارم، ولی یه گوشی که مال مامانمه، کلاً تلگرام و اینستا، همه چی، به نام منه. مامانم فقط در حد زنگ زدن بلده، زیاد بلد نیست با گوشی کار کنه.

شرایط مداخله‌گر

سبک زندگی تحمیلی

مشارکت‌کنندگان به دلیل فرهنگ سنتی و محدودیت‌های خانوادگی در یزد احساس نارضایتی می‌کردند و فرهنگ شهر خود را با فرهنگ شهرهای دیگر مقایسه می‌کردند. آنها معتقدند که ورود شهرستانی‌ها به این شهر باعث شده وضعیت در حال بهتر شدن باشد. زهره می‌گوید: یزدیا زیاد اهل تفریح نیستن، تفریحاتشون خَش نی! مثلاً جای دیگه م... اصلاً من فکر می‌کنم یزدیا هم... چه جووری بگم؟! طرز زندگی کردنشون با جاهای دیه خیلی فرق می‌کنه. خیلی مثلاً یه جوورین! من اصلاً دوس ندارم.

بی‌پردگی فضای مجازی

نوجوانان کنجکاو هستند در فضای مجازی به زندگی دیگران ورود پیدا کنند، حتی به هک کردن صفحه‌های دیگران تمایل دارند.

شهلا می‌گوید: بیشتر برای هک کردن کنجکاو، هک نمی‌کنم، ولی مثلاً تازگیا تصمیم گرفتم این کار رو انجام بدم. یه پیجی هست، گفته هر پیجی رو که بهش بگی، هفتادومن پول می‌گیره هک می‌کنه. فعلاً فکرش اومده تو سرم.



سارا می‌گوید: تو فضای مجازی دوست دارم بینم کی با کیه، اون با اون چه کار مکنه، کجاها مرن ... مثلاً این جور، مثلاً از دوستانم که می‌پرسم، مگم که امروز زنگش زد؟ امروز چکا کردی؟ همه‌ش در مورد همینا ... سوالاتی ابرو.

راهبردها

آزادی عامه‌پسند

آزادی نوجوانان برای پوشش در کنار سواد رسانه‌ای حداقلی والدین و آگاهی والدین از رابطه فرزندان با غیر هم‌جنس باعث می‌شود والدین نسبت به فرزند اعتماد داشته باشند و این اعتماد به پنهان‌کاری فرزندان و همچنین باعث بروز مشکلاتی در فضای مجازی می‌شود.

سحر می‌گوید: می‌دونم که تو سنی هستیم که زیاد اهمیتِ مدم به این چیزا. من خودم زیاد اهمیتِ مدم، مثلاً مگم که تکراری نباشه این لباسام، مثلاً این شلوارو دیروز پام کردم امروز نکنم.

هستی می‌گوید: دوس دارم فضای مجازی رو! دنبال می‌کردم فضای مجازی رو. گوشی مخفی داشتم. گوشی رو نامزدم بهم داده بود. بعد بابام ازم گرفت. نه! داداشم گرفت ازم.

بدیل‌جویی

مشارکت‌کنندگان به دنبال جایگزین‌هایی برای داشتن جامعه‌ای شاد و دوری از خودآسیب‌رسانی بودند و دستیابی به آن را در تفریح بیشتر، افزایش عفت و حیا در جامعه، تغییر تفکر افراد، داشتن محیط پرانرژی، آزادی در جامعه، توجه بیشتر به کارهای هیجانی و تخلیه هیجان‌ها و ... می‌دانستند.

ساجده می‌گوید: اگه تفریح بیشتری داشته باشم سمت این کار [خودزنی] نمی‌رم.

هستی می‌گوید: جامعه ما جامعه شادی نیست. اصلاً تفریح‌اش رو نمی‌پسندم، دوست دارم یه محیطی باشه که وقتی تو شهر می‌آی بهت انرژی و خوشحالی بده. الان تو خیابونا می‌ری، چیزایی می‌بینی که واقعاً نگران جامعه می‌شی.



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان...

زهره می‌گوید: من فکر می‌کنم آدم باید آزاد باشه، هر کاری که دوس داره بکنه خ، جامعه‌ای که بهش گیرِ مَدَن یا مثلاً بعضیا که ... من اصلاً دوس ندارم ... اصلاً وقتی کارایی که چه جور ی بگم، نَمِدونم حرفم رو چه جور ی بزَنم، مُخوام آزاد باشم، هر کار خودم دوس دارم بکنم.

احساس بی‌تفاوتی اجتماعی

می‌توانیم بی‌حوصلگی برخی نوجوانان و اینکه علاقه‌ای به رابطه با جنس مخالف و کارهای هیجانی و ... را ندارند و نسبت به شادی جامعه بی‌تفاوت هستند به‌عنوان پیامد در نظر بگیریم.

سحر می‌گوید: زیاد به جامعه اهمیتی نَمدم، زیاد به اینا اهمیّت ندم ... به شادی جامعه. ماندانا می‌گوید: اصلاً خوشم نمی‌آد با جنس مخالف رابطه داشته باشم. نمی‌خوام ازدواج کنم. من حوصله خودمم ندارم، چه برسه حوصله یکی دیگه رو داشته باشم!

پیامدها

شکست جنسیتی

نوجوانان دختر به دلیل محدودیت‌های جنسیتی به تغییر جنسیت تمایل دارند و جنسیت خود را محدودیتی در نظر می‌گیرند و از آن احساس نارضایتی می‌کنند.

ناهید می‌گوید: از دختر بودنم راضی نیستم. برام محدودیت داره، بیرون می‌خوای بری، اگه پسری، می‌تونی بری، اما چون دختری، پشت سرت گف درمی‌آد، این لباس رو می‌خوای بپوشی، اگه پسری، می‌شه، اما چون دختری نمی‌شه. هرکار می‌خوای بکنی، اگه پسر باشی، می‌شه، ولی حالا که دختری، نمی‌شه. پسرا می‌تونن تو پارکا ورزش کنن، بعد یه جمعی از دخترا که می‌رن ورزش کنن، می‌آن می‌گیرنشون یا مثلاً لباس ورزشی می‌پوشن، بهشون گیر می‌دن!

کژکار کردهای وابستگی مجازی

وقتی نوجوانان در خانواده‌ای معتاد به استفاده از فضای مجازی باشند، فرصت برقراری تعامل با دیگر اعضای خانواده را از دست می‌دهند و باعث تشکیل چرخه‌ای معیوب



فصلنامه فرهنگ یزد

می‌شود که از نظر عاطفی و روانی باعث فاصله گرفتن از اعضای خانواده می‌شود و در نهایت نوجوان به تنهایی و پناه‌بردن به فضای مجازی روی می‌آورد. برخی آسیب‌های این انتخاب در زندگی فرد عبارت‌اند از: وقت‌کشی، عادت به سرگرمی، شیوع مشکلات روانی و دوستی‌های نامتعارف.

فاطمه می‌گوید: زیاد اهل فضای مجازی هستم؛ تلگرام، اینستا، واتس‌آپ، خیلی خیلی، ۲۴ ساعته و قتم رو گرفته. بچه‌ها و دوستانم، همه، می‌دونن طرز درس‌خوندنم این جوریه که هندزفری تو گوشمه و گوشیم دستمه، مثلاً صفحه کتابم بازه، یه نگاهی هم می‌ندازم. همه کارا باهم.

او با خنده ادامه می‌دهد: عادت کردم این تو گوشم باید باشه، یه چیزی بخونم. تمرکز ندارم زیاد روش، ولی باید باشه، عادت کردم.

بعد با گویش یزدی می‌گوید: تو فضای مجازی نمشه تفریح کرد، به‌جز صدمه هیچی به ما نمرسه، مثلاً تو تلگرام هیچی به آدم نمرسه، جز اینکه آدمو منفی کنن و بهش صدمه بزنین و ببرن تو راه خلاف.

بی‌علاقگی به ایران

بیشتر نوجوانان به سبب شرایط سنی نوجوانی و مقایسه‌های رسانه‌ای، از وضعیت موجود ناراضی هستند و یکی از دلایل اصلی آن را زندگی در ایران توصیف می‌کنند. آنها زندگی خود در ایران را به ناشاد بودن گره می‌زنند و فکر می‌کنند که زندگی آنها به همین دلیل تحت تأثیر قرار گرفته است؛ بنابراین گرایش به مهاجرت در آنها پررنگ است.

آسیه می‌گوید: مثلاً با این مشکلاتی که الان هه، مثلاً هیش‌کی شاد نیس، ولی من همیشه خیلی دوس داشتم خارج از ایران باشم. کلاً دوست ندارم اینجا باشم.

اسناد تقصیر

نوجوانان زمانی که از مشکلات خود عصبانی هستند به جای رفتارهای خردمندانه و منطقی، در هنگام ناکامی و شکست و مشکلات، آنها را بر گردن دیگران می‌اندازند یا به



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان...

دیگران نسبت می‌دهند و در ناشادی و مشکلات جامعه، افراد و خانواده خود را مقصر می‌دانند.

شعلا بدون توجه به اینکه جامعه از گروه انسان‌ها و روابط و تعامل آنها تشکیل شده است، «آدم»ها را از جامعه تفکیک می‌کند و می‌گوید: آدم‌ها بد شدن، مثلاً جامعه بد نیست، مکان بد نیست، آدم‌ها مثلاً خیلی هوسباز و خیلی شرور و بی‌تمدن شدن. جامعه تغییری نکرده، آدم‌ها بد شدن!

خدیدجه می‌گوید: بعضی وقتا خانواده‌ها باعث می‌شن بچه‌هاشون نابود بشن.

مدل پارادایمی پژوهش

مدل پارادایمی تحقیق، نشان‌دهنده جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه اتفاق افتاده است. این مدل، از پنج قسمت شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تشکیل شده است. در مرکز مدل نیز پدیده مرکزی قرار دارد که فعالیت‌ها حول محور آن شکل می‌گیرند. جریان فرایندها و فعالیت‌هایی که در بستر این تحقیق اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد پدیده مرکزی، فراغت تنهایی و جدایی فراغتی است؛ به عبارت دیگر بر اساس تحلیل داده‌های تحقیق، شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، برساخت‌گر فراغت تنهایی و جدایی فراغتی در بین دانش‌آموزان هستند. به‌طورکلی آن چیزی که مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر با آن به‌طور عینی و ذهنی در طی زمان درگیر می‌شوند، برساخت فراغت تنهایی و جدایی فراغتی در بین دانش‌آموزان است. این مدل بر اساس تبیین‌ها و یافته‌هایی که پیش‌تر ارائه و در جدول مفهومی نیز ذکر شده، در شکل شماره ۱ ترسیم شده است؛ در واقع جریان فرایندهایی را که در بخش خط داستان ارائه شده است، به صورت تصویری در مدل شماره ۱ می‌توان دید.

خط داستان

در ارائه خط داستان در قدم اول باید به این سؤال پاسخ دهیم که فراغت تنهایی و جدایی فراغتی به چه معناست؟ پاسخ این است که فراغت تنهایی و جدایی فراغتی به این معناست که در موقعیتی که نوجوان بخواهد در آرامش باشد، آرامش را از وی سلب



می‌کنند. اگر طبق نظر گیدنز می‌بخوایم به آن بنگریم؛ به این معناست که نوجوانان در مکان و زمان زندگی نمی‌کنند و در فراغت نیز از جاکندگی می‌تواند اتفاق افتد و فراغتشان در اصطلاح می‌تواند تنهایی یا جدایی فراغتی باشد. در چنین شرایطی مشارکت‌کنندگان دچار آسیب‌های روانی یا گرفتار وضعیتی نامناسب، همراه با درد و رنج عمیق روحی می‌شوند. منشأ این ضربه‌های روحی، علت‌هایی خرد مانند حسرت‌هایی که به مشارکت‌کنندگان وارد شده، از جمله حسرت‌های پدرفرزندی و در حوزه کلان، دشواری شادی در یزد است که همه این موارد باعث می‌شود نوجوانان خودشان را با دیگری مقایسه کنند و به این نتیجه برسند که با زمان، مکان و خانواده و به‌طور کلی با جامعه بیگانه هستند.

فرد، خانواده و جامعه نهادهای مهمی هستند که اختلال‌های رفتاری در هر یک از آنها، سبب ایجاد آسیب‌های بسیاری می‌گردد. فشارهای ساختارهای تربیتی آسیب‌زا، از جمله: خانواده و مدرسه در شکل‌گیری پدیده خودزنی و آسیب به خود نقش دارند.

نوجوان ابتدا در خانواده، یعنی نخستین نهاد اجتماعی برای برطرف کردن نیازهای ریشه‌ای و حیاتی‌اش، پرورش می‌یابد و تحت‌تأثیر افکار، عقاید و رفتارهای اعضای خانواده خود قرار دارد. نواقص، کمبودها، محدودیت‌ها، سختگیری‌های خانوادگی، سراسرینی و نظارت خانواده می‌تواند بر رفتار نوجوان تأثیر منفی داشته باشد و او را در معرض نامتعادل شدن و آسیب به خود قرار دهد.

دومین محیط اجتماعی که نوجوان پس از خانواده وارد آن می‌شود، مدرسه است. نوجوان در مدرسه با فشارهای تحصیلی و آموزشی مواجه می‌شود که استرس‌های همه‌جانبه پایداری را بر دوش می‌کشد. در این جاست که نوجوان برای درک شدن و رسیدن به آرامش، به گروه همسالان و دوستان پناه می‌برد؛ در نتیجه با افزایش گروه همسالان، نفوذ والدین کاهش می‌یابد و به‌طور کلی با شکل‌گیری محدوده‌ای برای والدین، خانواده در پراتنز قرار می‌گیرد. بیشتر نوجوانان ترجیح می‌دهند اوقات خود را با همسالان خود بگذرانند. عضویت در گروه همسالان، نوجوانان را در فرایندی قرار می‌دهد که بیشترین میزان جامعه‌پذیری به‌صورتی ناخودآگاه و بدون هرگونه طرح‌سنجیده‌ای در آن انجام می‌پذیرد.



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان...

در نهایت نوجوان می‌تواند معاشران و دوستان خود را انتخاب کند و بر مبنایی برابر با سایرین به کنش متقابل بپردازد. گروه همسالان، برخلاف خانواده و مدرسه، کاملاً حول محور منفعت‌ها و علاقه‌های اعضا قرار دارد. اعضای این گروه می‌توانند به جستجوی روابط و موضوع‌هایی بپردازند که در خانواده و مدرسه با تحریم مواجه است. آنها به این ترتیب می‌کوشند از نفوذ این دو نهاد مهم بر خود جلوگیری کنند و نقش‌ها و هویت‌های متمایزی را مستقر سازند (ستوده، ۱۳۹۳).

نیازهای نوجوانان امروزی، فقط خوراک و پوشاک و مسکن نیست، بلکه دوره نوجوانی، دوره شور و هیجان است. نوجوانان نیازمند تخلیه هیجان‌های خود به بهترین شکل هستند. چون نوجوانان مشارکت‌کننده، شهر یزد را به دلیل فرهنگ خاص مردم آن، شهری ناشاد قلمداد می‌کردند، شادی و تخلیه هیجان‌ها را با دشواری‌هایی همراه می‌دیدند که عدم امکانات تفریحی برای نوجوانان در شهر و همچنین محدودیت‌های جنسیتی مانع از تخلیه هیجان‌ها به شکل درست می‌شود. بسیاری از نوجوانان با وجود داشتن دوستان متعدد ممکن است گاهی اوقات تنهایی شدیدی احساس کنند. این چنین است که تمایل به تنهایی‌گزینی پیدا می‌کنند و به فضای مجازی روی می‌آورند، خود را با آهنگ‌های «دپ» و رپ مشغول می‌کنند، کانال‌های تلگرامی با «فاز منفی» را دنبال می‌کنند و به خواندن رمان و دیدن فیلم‌های عاشقانه و فیلم‌های خشن روی می‌آورند. این فراغت مجازی ممکن است باعث آسیب‌هایی روانی اجتماعی برای افراد شود، سلامت اجتماعی نوجوان را به خطر اندازد و باعث اعتیاد و وابستگی نوجوانان به فضای مجازی شود. اغلب نوجوانان چنان به فضای مجازی و رسانه‌ها معتاد می‌شوند و بدان اعتماد دارند که در ساعت معین بدان نیاز می‌یابند. تأخیر یا فقدان، موجب از بین رفتن تعادل آنان می‌شود و زمانی که بدان می‌رسند، قدرت اندیشه از آنان سلب می‌شود و بدون هیچ تردید یا اندیشه‌ای در آن غرق می‌شوند. این فرایند باعث کمرختی ذهن می‌شود و فرد در جریان حوادث مانند پر کاهی روی سیلاب خروشان، ناخواسته و بی‌اراده، به این سو و آن سو کشیده می‌شود (ستوده، ۱۳۹۳).



این گونه است که مشارکت‌کنندگان در برابر این فشارهای ساختاری، از جمله محدودیت‌ها و محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و جنسیتی و نیز ساختارهای تربیتی کلاسیک و مجازی آسیب‌زا که به‌طور عینی و یا ذهنی در آن گرفتار شده‌اند، به‌دنبال راهکارهایی هستند تا بتوانند با این وضعیت کنار بیایند؛ بدین ترتیب یکسری راهبردهای بدیل، تهاجمی یا سازگارانه از خود نشان می‌دهند.

مشارکت‌کنندگان در راهبردهای بدیل، به دنبال جایگزین‌هایی هستند تا محیطی شاد داشته باشند و از خودآسیب‌رسانی دوری کنند. آنها برای جامعه شاد، تفریح‌های بیشتری می‌طلبند، رعایت عفت و حیا را در جامعه می‌خواهند، آرزو دارند تفکر افراد به‌روزتر باشد، محیطی پرانرژی داشته باشند، خواستار آزادی و استقلال بیشتر در جامعه هستند، اشتغال و کارهای هیجانی را برتر از آموزش می‌دانند.

نوجوانان در راهبردهای تهاجمی، از طریق هم‌نشینی با دوستان ناباب و هم‌مدرسه‌ای‌های نابهنجار و الگوگیری از آنان به خودزنی روی می‌آورند، اما در راهبردهای سازگارانه، چون از خانواده فاصله گرفته‌اند و سواد رسانه‌ای والدین نیز در سطح حداقلی است و اطلاعاتشان به‌روز نیست، پنهان‌کاری همه‌جانبه دارند، یعنی حتی در خانه به خود آسیب می‌زنند و خودزنی می‌کنند و برای اینکه خانواده متوجه آن نشوند، آن را پنهان می‌کنند.

پيامد این راهبردها این است که به مرور زمان نوجوانان دچار بی‌تفاوتی اجتماعی می‌شوند و تمایل به تنهایی‌گزینی در آنها بیشتر می‌شود. پیامد راهبردهای مشارکت‌کنندگان تجربه‌هایی ناخوشایند است، از جمله شکست جنسیتی، کژکارکردهای وابستگی مجازی، بی‌علاقگی به ایران و اسناد تقصیر.

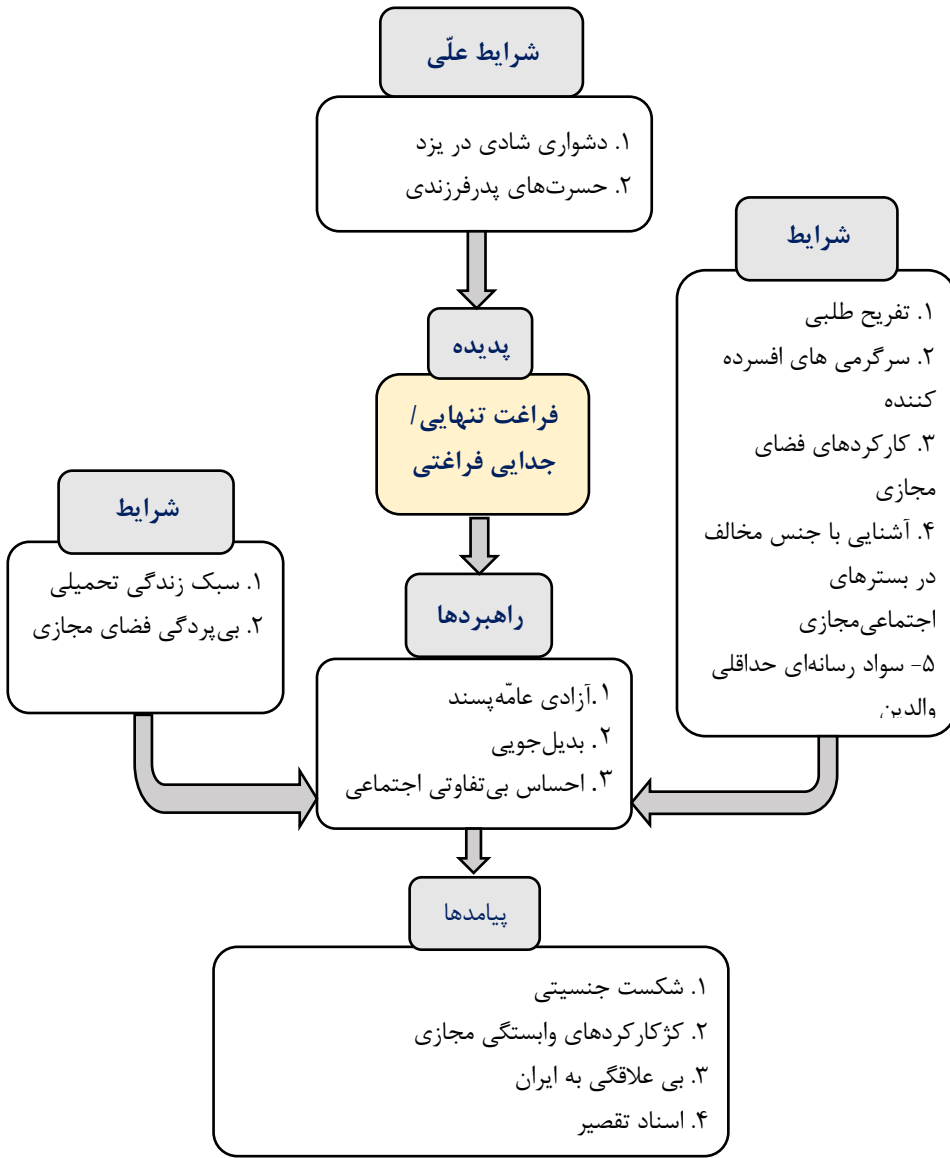
نوجوانان در این دوره از زندگی، درگیر عواطف و احساسات فراوان می‌شوند که اگر آنها را کنترل و مدیریت نکنند، افسار آن از دستشان خارج می‌شود. در چنین وضعیتی است که برخی از نوجوانان احساس بی‌قدرتی می‌کنند و بر تنها دارایی‌شان، بدنشان، اعمال قدرت می‌کنند. آنها به هر شکل و وسیله‌ای بر بدن خود می‌تازند و با خونی که می‌ریزند، احساس



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان...

بودن می‌کنند. نوجوانان به سبب نادیده گرفته شدن در جامعه و راه‌های اندکی که برای ابراز وجود دارند، به خودزنی روی می‌آورند تا ابراز وجود کنند و به آرامش برسند. آنها به روش‌های مختلفی مثل مشت‌کوبیدن به دیوار، دادزدن، خط‌خطی کردن بدن خودزنی می‌کنند. خودزنی راهی است برای فرار از مشکلات زندگی، مشکلات فردی یا بین‌فردی و درواقع اعتراضی خشن روی بدن نسبت به وضع موجود است.





مدل ۱: مدل پارادایمی دشواری فراغت

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی صورت گرفت. اقدام به خودزنی و آسیب‌رسانی به خود یکی از موارد بسیار مهم است؛ به‌همین دلیل پژوهش حاضر طراحی شد تا نقش بسترهای فراغتی در رخداد این عمل را بررسی کند و به



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان...

این سؤال پاسخ دهد که این عمل نوجوانان چگونه در بسترهای فراغتی شکل گرفته یا تقویت می‌شود؟

یافته‌های حاصل از این پژوهش، نشان داد مقوله‌هایی همانند دشواری شادی در یزد، حسرت‌های پدرفرزندی، بی‌پردگی فضای مجازی، آشنایی با جنس مخالف در بسترهای مجازی و ... به ظهور پدیده مرکزی پژوهش منجر شدند. پدیده مرکزی با عنوان فراغت تنهایی و جدایی فراغتی، شرایطی را متصور می‌شود که در آن جامعه در واکنش به این شرایط با وضعیت مشکل‌سازی مواجه می‌شوند که در آن کارکردهای خود را از دست رفته می‌بینند و ناتوان از تغییرات مثبت هستند؛ به عبارتی توانایی حل مسئله از مسیرهای موجود و به‌ویژه مسیرهای پیشینی و سنتی وجود ندارد و حل مسئله در پرتو نازمانی و نامکانی (به تعبیر گیدنز) موجود قرار می‌گیرد؛ در نتیجه نوجوانان در این زمینه نامناسب و نامتعیّن فراغتی عملکردهای خاصی را از خود نشان می‌دهند که یکی از آنها خودزنی و آسیب‌رسانی به خود است که این امر پیامدهای خاصی را نیز برای آنان ایجاد می‌کند؛ در نتیجه می‌توان گفت فراغت تنهایی و جدایی فراغتی که به‌عنوان مقوله هسته در این پژوهش استخراج شده است (به‌عنوان نظریه کوچک مقیاس) وضعیت خاص خانوادگی را نشان می‌دهد که به خودزنی منجر می‌شود. این ازجاکنندگی هم به‌لحاظ نظری در انتزاعی‌ترین شکل ممکن نشان‌دهنده تغییر کارکردی و ارزشی خانواده‌ها است که در بستر جامعه ایران در حال رخ دادن است. در مقایسه با نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی، نظریه استخراج‌شده از این پژوهش به‌طور ویژه با نظریه گیدنز همسویی دارد و ازجاکنندگی خانوادگی، ساختارهای نامکانی و نازمانی را برای نوجوانان به وجود آورده است. در واقع این پژوهش، نشان داد که در کنار عوامل فردی و روانی که بسیاری از روان‌شناسان مطالعه کرده‌اند، بسترهای اجتماعی متفاوت می‌توانند این اقدام‌های نابهنجار را به‌طور اجتماعی تبیین کنند و علت‌ها را در ساختارهای اجتماعی و خانوادگی ببینند. به نظر می‌رسد پژوهش حاضر توانسته است در این مسیر قدم بردارد و نشان دهد که پدیده‌های به‌ظاهر روانی و فردی، مانند خودزنی که در جامعه و رسانه‌ها تا حد زیادی به کنش‌های فردی و شخصیتی افراد تقلیل می‌یابند، بسترهای اجتماعی و علت‌های فرهنگی و فراغتی داشته است.



در این میان نتایج پژوهش شریفی و همکاران (۱۳۹۹) نقش ورزش در کاهش انحراف‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی فراغتی، یافته‌های پژوهش کیان (۱۳۹۲) بر ضرورت توجه مسئولان، برنامه‌ریزان و والدین را به مسئله برنامه‌ریزی اوقات فراغت برای دوره حسّاس نوجوانی، نتایج پژوهش موحد و همکاران (۱۳۹۲) متغیرهای جنس، محل سکونت، طبقه اجتماعی، تحصیلات والدین با میزان اوقات فراغت جوانان رابطه معنادار دارند. نتایج پژوهش دانشمند و همکاران (۱۳۹۲) عوامل آسیب‌زای فردی در جنس مذکر و مؤنث بیشتر از عوامل آموزشی و اجتماعی به برنامه‌های اوقات فراغت آسیب وارد می‌نماید و در بین رابطه دیدگاه زنان و مردان شبیه یکدیگر است. یافته‌های تحقیق مقصودی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد امروزه شاهد تحول چشمگیری در زمینه چگونگی گذراندن اوقات فراغت ایرانیان هستیم. اوقات فراغت در گذشته بیشتر یک موضوع اجتماعی و عمومی بوده که امروزه به عرصه خصوصی زندگی ایرانیان کشیده شده است. رسانه‌ای شدن، خانگی، طبقاتی و به‌صورت فردی گذراندن اوقات فراغت از دیگر ویژگی‌های بارز آن در ایران معاصر به حساب می‌آیند؛ به‌گونه‌ای که بازی‌های کامپیوتری، چت و اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی در حال گرفتن جای بازی‌ها و قهوه‌خانه‌های سنتی هستند.

پژوهش لارسن و ورما (۱۹۹۹) نشان می‌دهد نوجوانان در کشورهای غیرصنعتی آسیایی تقریباً تمام وقت خود را، جدای از ساعات مدرسه، در خانه سپری می‌کنند. از سوی دیگر جوانان اروپایی و آمریکایی، به‌طور معناداری زمان بیشتری را با همسالان خود سپری می‌کنند. همچنین مشارکت جوانان در اوقات فراغت فعال سازمان‌یافته نظیر فعالیت‌های ورزشی، هنری و ... در ایالات متحده و اروپا بیش از آسیا است (کیان، ۱۳۹۲). پژوهش فار (۲۰۰۸) در بررسی تأثیرات وسایل بصری بر فعالیت‌های فراغت نوجوانان نشان داد که استفاده از نمایش فیلم در اوقات فراغت برای کاهش رفتارهای ناصحیح و بهبود انتخاب‌ها و افزایش سطح استقلال در زمان اوقات فراغت نوجوانان بسیار مفید خواهد بود. همچنین بررسی گذران اوقات آزاد نوجوانان نشان می‌دهد که امروزه بسیاری از نوجوانان و جوانان به فعالیت‌های اینترنتی مشغول‌اند و برای گذران اوقات خود از روابط و مناسبات اینترنتی



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان...

استفاده می‌کنند (کیان، ۱۳۹۲). همچنین پژوهش‌ها مشخص کرده‌اند که بخش عظیمی از جوانان ایرانی (۷۱ درصد) از سازمان‌های متولّی اوقات فراغت بی‌اطلاع‌اند و آنها را نمی‌شناسند. این افراد بر این باورند که در تدوین برنامه‌های اوقات فراغت به خواسته‌ها و تقاضاهای آنها چندان توجهی نمی‌شود. بیش از ۶۲ درصد از جوانان ایرانی اوقات فراغت خود را درون خانه و در تنهایی و به صورت فردی سپری می‌کنند (کیان، ۱۳۹۲). پژوهش بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) نیز نشان داد که نوجوانان و جوانان ایرانی عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را به عنوان یک سرگرمی انتخاب می‌کنند و عضویت در این شبکه‌ها، تا حدّ زیادی بر سبک زندگی آنان تأثیر گذارده است.

به‌طورکلی نتایج پژوهش با پژوهش راسل و هارتونگ (۲۰۱۶)، به دلیل افزایش خودزنی در بین نوجوانان، کوکالیاری و برزف (۲۰۰۸) و آدلر (۲۰۰۷) که پدیده خودآزاری را ناشی از فشارهای اجتماعی و بازخورد جامعه می‌دانند همسو است. همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مختلف از جمله با لاول و همکاران (۲۰۱۶)، که نشان داد خودزنی راهی برای رهایی از وضعیت‌ها و هیجان‌های منفی و تنش‌زا است، با یافته‌های حسینی (۱۳۹۷)، در مورد مطالبه حقوق نادیده گرفته شده خود، با یافته‌های شاپیرو (۲۰۰۸)، مظلومی و همکاران (۱۳۹۰)، که خودزنی ناشی از کاهش کیفیت زندگی و افزایش شدت استرس دانش آموزان است و نتایج شهابی و همکاران (۱۳۹۵)، مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، مرگان و جاویدان (۱۳۹۵) مبنی بر نقش نظام آموزشی در کاهش بروز آسیب‌های اجتماعی، همسو است.

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش وکیلی (۱۳۸۳)، سمنانی و همکاران (۱۳۸۵)، میرنسب و همکاران (۱۳۹۰)، هادی خامنه (۱۳۹۲)، آوخ کیسمی و همکاران (۱۳۹۲)، بادله و همکاران (۱۳۹۲)، خانی‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، شریعت‌پناهی و همکاران (۱۳۹۵)، اسفندیار (۱۳۹۷) و مردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) به دلیل تقلیل دادن خودزنی به متغیرهای روانی و شخصیتی هرچند به‌نوعی همسو نیست، اما این پژوهش در واقع به عواملی پرداخته است که آن پژوهش‌ها به بررسی آن مبادرت نکرده‌اند.



منابع و مأخذ

- آوخ کیسمی، فرهاد؛ مهدوی، علی؛ ابراهیمی، محمدرضا (۱۳۹۲). «تعیین رابطه خودزنی و اختلالات شخصیت در سربازان»، *مجله علمی ابن سینا*. مسلسل ۴۵: اداره بهداشت و درمان نهجا، دوره ۱۵، شماره ۴: ۲۴ - ۲۹.
- استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۷). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای* (ترجمه ابراهیم افشار)، تهران: نشر نی.
- اسفندیار، عادل (۱۳۹۷). «بررسی جرم‌شناسی پدیده خودزنی و علل گرایش به آن»، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود: دانشکده علوم انسانی.
- بشیر، حسن، و افراسیابی، محمّدصادق (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ‌ترین جامعه مجازی ایرانیان. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۵ (۱): ۳۱ - ۶۰.
- بادله، مرتضی، فتحی، مهدی، آقامحمّدیان شعریاف، حمیدرضا، بادله، محمّدتقی، و استادی، تقی. (۱۳۹۲). مقایسه‌ی میزان اثربخشی هیپنوتراپی شناختی رفتاری گروهی و درمان شناختی رفتاری گروهی بر افزایش عزت نفس نوجوانان، *مجله اصول بهداشت روانی*، س ۱۵ (۳)، ۱۹۴ - ۲۰۴.
- حسینی، سحر (۱۳۹۷). «شناسایی علل خودزنی دختران نوجوان در بافت فرهنگی - اجتماعی شهر کرمانشاه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره گرایش مدرسه، دانشگاه رازی: دانشکده علوم اجتماعی.
- خانی‌پور، حمید (۱۳۹۳). «رفتارهای خودآسیب‌رسانی در نوجوانان: ماهیت، احتمال خودکشی، نقش عوامل روان‌شناختی و همسالان»، *رساله دکتری روان‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- خانی‌پور، حمید، شوشتری، میترا، برجعلی، احمد، گلزاری، محمود، و فلسفی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۳). رابطه نقص کنترل تکانه و خودجرحی بدون خودکشی در



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش آموزان...

نوجوانان با سابقهٔ بدرفتاری دوران کودکی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی
ایران. س ۲۰(۴): ۳۳۹ - ۳۴۸.

- دانشمند، غلامحسین؛ مهدی‌زاده، ایرج؛ نباتیان، الهام (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی فردی اوقات فراغت جوانان»، مجموعه مقالات کنگرهٔ ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، ۴۳۱ - ۴۴۴.

- زمانی، نرجس، نظری، محمد، و زارعی، اقبال (۱۳۹۴). بررسی نقش حمایت‌های خانواده در دریافت حمایت‌های اجتماعی. پژوهش‌نامهٔ فرهنگی هرمزگان. ۱۰: ۱۴ - ۲۸.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، تهران.

سمنانی، یوسف، ثقة‌الاسلام، طاهره، و شاهپوری، حمیدرضا (۱۳۸۵). رفتارهای خودزنی و وسواس‌گونه در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. مجلهٔ علمی پزشکی قانونی ۱۲ (۱): ۲۵ - ۲۹.

- شریفی، سید علیرضا، عبداللّهی، نجمه، و دهقان قهفرخی، امین (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ورزش بر کاهش انحرافات اجتماعی (مطالعهٔ موردی): دانش‌آموزان متوسطهٔ دوم شهرستان شهرکرد). مدیریت ورزشی، ۱۲ (۴): ۱۱۸۸ - ۱۲۰۱.

- شهابی، سیده سارا، فتحی آذر، اسکندر، و جعفری، علی (۱۳۹۵). نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل آنها با فضای مجازی، مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۵۱: ۱۹ - ۳۲.

- فرح‌بخش، کیومرث (۱۳۹۹). خودزنی در دانش‌آموزان و نقش معلم در کاهش آن. رشد معلم، ۳۸(۷): ۲۴ - ۲۷.

- کیان، مریم (۱۳۹۲). مقایسهٔ نحوه گذراندن اوقات فراغت دانش‌آموزان مدارس عادی و استعداد درخشان شهر یزد. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۴: ۱۳۹ - ۱۷۴.

- مردی‌نیا، محسن؛ مسکینی، علی؛ میرزمانی، شهرام (۱۳۹۷). «بررسی مقایسهٔ فراوانی خودکشی و خودزنی در ناویان و کارکنان وظیفهٔ نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران»، پنجمین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی



طب پیشگیری، بهداشت، امداد و درمان دریایی بر روی شناورهای سطحی و زیرسطحی.

- مرگان، الهام؛ جاویدان، لیدا (۱۳۹۵). «نقش مدرسه و معلمان در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی»، اولین کنفرانس بین‌المللی نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران.

- مظلومی محمودآبادی، سید سعید، ذوالقدر، راضیه، میرزایی علویجه، مهدی، و حسن بیگی، افسانه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین استرس مزمن و کیفیت زندگی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در شهر یزد در سال ۱۳۸۹. فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد، ۲: ۱-۱۰.

- مقصودی، سوده؛ عبدالحسینی، زهرا؛ سلیمانی، زینب (۱۳۹۲). «بررسی نحوه گذران اوقات فراغت و روند تغییرات آن در ایران»، مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، ۶۷۳ - ۶۹۶.

- موحد، مجید؛ دسترنج، منصوره. (۱۳۹۲). «مطالعه چگونگی گذراندن اوقات فراغت جوانان شهرستان بستک»، مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، ۲۲۴ - ۲۳۹.

- میرنسب، میرمحمود، بیرامی، منصور، و زند کریمی، بصیره (۱۳۹۰). مقایسه عوامل شخصیتی در بین دانش‌آموزان دختر پرخاشگر و غیر پرخاشگر. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۶ (۲۳): ۱۸۶ - ۲۰۳.

- وحدت شریعت‌پناهی، مریم، ناصری آتسانی، فاطمه، و میرلوحی، محمدجواد (۱۳۹۵). مطالعه انواع خودزنی در مبتلایان به اختلالات روان‌پزشکی و ارتباط آن با نوع بیماری در مراجعه‌کنندگان به بخش روان‌پزشکی بیمارستان شهید لواسانی در سال‌های ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲، مجله دانشکده پزشکی مشهد. س ۵۹ (۲): ۱۵۷ - ۱۷۸.

- وکیلی، مهتاب. (۱۳۸۳). «تعیین فراوانی خال‌کوبی و خودزنی در جمعیت بیماران روانی و ارتباط آن با خصوصیات جمعیت شناختی و تجزیه‌ای»، پایان‌نامه دکترای



کاوش بسترهای فراغتی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان...

پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان: دانشکده پزشکی مهندس افضل‌پور.

- هادی خامنه، اعظم (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های عاطفی‌روانی و هوش هیجانی افراد مبتلا به رفتارهای خودآسیب‌رسان و افراد عادی. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، س ۸ (۱): ۱۰ - ۳۷.

- Adler, P. A., & Adler, P. (2007). "The demedicalization of self-injury: From psychopathology to sociological deviance". *Journal of Contemporary Ethnography*, 36(5), 537-570.
- Farr, W. (2008). Effects of video Modeling on Leisure Time Activities for Learners with Severe Special Needs. Arizona state university. 94 pages, AAT 3302384.
- Kokaliari, E., & Berzoff, J. (2008). "Nonsuicidal self-injury among nonclinical college women: Lessons from Foucault". *Affilia*, 23(3), 259-269.
- Larson, R. (2002). Globalization, societal change, and new technologies: what they mean for the future of Adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, Vol. 12 (1): 1 - 30 .
- Lovell, S., & Clifford, M. (2016). "Nonsuicidal Self-Injury of Adolescents". *Clinical Pediatrics*, 55(11), 1012-1019.
- Russell, K. R., & Hartung, S. Q. (2016). "Identifying the signs of self-harm in students". *NASN school nurse*, 31(2), 121-124.
- Ross, S., Heath, N. (2002). "A Study of the Frequency of Self Mutilation in a Community sample of Adolescents". *Journal of Youth and Adolescence*, 31(1). 67-77.
- Shapiro, S. (2008). "Addressing self-injury in the school setting". *The Journal of School Nursing*, 24(3), 124-130.



Exploring leisure factors leading to self-harm among Yazdian female students

Hanieh Sadat Hosseini Fathabadi,
Ali Ruhani, Zahra Naderi Nobandegani

Abstract

Leisure time is a significant issue in the lives of adolescents today as they are currently the main focus of business and entertainment. Ignoring this important issue can have many negative consequences. The present study used grounded theory approach to carry out the research on all female students living in Yazd with a history of self-harm. In order to collect the data, the purposeful sampling process was used until the saturation stage was reached, and finally 23 female high school students were interviewed about self-harm during leisure times. The collected data were analyzed using open, axial and selective coding and presented in the form of a story line (including 18 main categories and 1 core category) and a paradigm model. The results of data analysis showed categories such as the difficulty of happiness in Yazd, father-child longing, recreation, depressing entertainment, effects of cyberspace, acquaintance with the opposite sex in social-virtual contexts, minimal media literacy of parents, lifestyle, and the imposition and simpleness of cyberspace led to the emergence of the central phenomenon of research. As a result, adolescents in such an unsuitable leisure environment perform certain behaviors such as popular freedom, seeking alternatives, and a sense of social indifference. It is associated with certain consequences such as gender failure, dysfunction of virtual dependence, disinterest in the homeland, and seeking guilts of others. Leisure difficulties lead to situations in which families find their functions lost and are unable to make positive changes.

Key words: Leisure contexts, Leisure difficulty, Self-harm, High school female students.

